

احترام به ادیان دیگر و آزادی بیان / گزارش*

مقدمه

احترام به ادیان دیگر یکی از مباحث مهم در ایجاد همزیستی بین ادیان است. در طول تاریخ، هر زمان که افراد مختلف با احترام به ادیان دیگر روی آورده‌اند، توانسته‌اند زندگی همدلانه و صلح‌آمیزی را برای پیروان خود رقم بزنند. با توجه به این واقعیت مهم و در پی اهانت به ساحت قدسی پیامبر گرامی اسلام ﷺ، نشست علمی‌ای در تاریخ هفدهم آبان‌ماه سال ۱۳۹۹ از سوی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) و با مشارکت مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مرکز اسلامی لندن برگزار گردید تا تلاشی در راستای موضوع احترام به سایر ادیان و نقش آن در همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و مسئله آزادی بیان باشد.

این نشست به صورت مجازی به زبان‌های فارسی و انگلیسی برگزار شد و به صورت مستقیم از شبکه‌های آپارات و بیگ‌بلو باتن (BIGBLUEBUTTON) پخش گردید.

در ابتدای نشست، دبیر علمی نشست احترام به ادیان دیگر را مسئله کلیدی عنوان کردند که در طول تاریخ نقش مهمی در همزیستی مسالمت‌آمیز بشر داشته است؛ سپس آیت‌الله رضا رضانی‌گیلانی، دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت (ع) و عضو مجلس خبرگان رهبری توضیحاتی درباره موضوع «توهین به مقدسات مغایر با

*. دبیر علمی و مجری نشست، حجت‌الاسلام سیدمصطفی دریاباری.

عقلانیت و اعلامیه جهانی حقوق بشر» و نیز مفهوم احترام به ادیان دیگر، از دیدگاه قرآن و سنت در اسلام ارائه دادند.

در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهاشم موسوی، نماینده ولی فقیه در انگلستان، به موضوع «رابطه بین آزادی بیان و احترام به ادیان» پرداختند و سخنانی در این باره بیان کردند.

سومین سخنران این نشست سبوه سرکیسیان (Sebuh Sarkisian)، اسقف اعظم و رئیس خلیفه‌گری ارامنه تهران بود که سخنانی در مورد دعوت به صلح و نیز محکومیت توهین به سایر ادیان از جنبه‌های مختلف بیان فرمودند.

گزیده‌ای از سخنان دبیر علمی نشست

- هدف نشست؛ برگزاری این نشست دلیل گرایش به گفتگو در اسلام و تمایل به برپایی قانون الهی بر اساس معیارهای حکیمانه و منطقی است. بدون تردید اگر طرحی که اسلام برای زندگی و تمدن ارائه داده مبتنی بر اصول حکیمانه نبود، مردم را به سمت خرد، بصیرت و گفتگو فرا نمی‌خواند، اما می‌بینیم که اسلام بر روشنفکری دینی تأکید دارد و از آن دفاع می‌کند و جزم‌گرایی و تقلید کورکورانه را در آیات متعددی از قرآن کریم رد می‌کند.

تأکید بر تبادل افکار؛ امام علی (ع) تبادل نظر و نقش آن را در از بین بردن تعارضات و دستیابی به اندیشه صحیح تشویق کرده و می‌فرماید: «إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ»؛ [۱] «تبادل افکار کنید که از آن حرف درست بیرون می‌آید».

- اصل همزیستی مسالمت‌آمیز؛ احترام به ادیان دیگر در دوران معاصر یکی از ضروریات فردی و اجتماعی است و با توجه به هم‌پیوندی دنیای امروز در زمینه‌های مختلف مانند سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بی‌احترامی هرگز برای پیشرفت و توسعه مناسب نیست. احترام به ادیان دیگر شامل مواردی چون در کنار هم بودن، دخالت نکردن در امور خصوصی دینی دیگران و احترام به حقوق دیگران است.



درواقع، نظریه و رویکرد «احترام به ادیان دیگر» بیان می‌کند که مردمان ادیان مختلف می‌توانند در کنار هم در صلح و دوستی زندگی کنند. این صرفاً یک ایده نیست؛ بلکه حقیقت آشکاری در راه برپایی یک جامعه بزرگ است. در طول تاریخ، جوامعی که با مردمان متنوع قادر به زندگی مشترک و هماهنگ بودند، از موفق‌ترین جوامع به‌شمار می‌آمدند.

ایده «احترام به ادیان دیگر» به دنبال از بین بردن، به حداقل رساندن یا جلوگیری از مشکلاتی همچون جنگ، خونریزی، خشونت، نفرت و درگیری‌های داخلی است که صلح را مختل می‌کند.

- فطری و دینی بودن همزیستی مسالمت‌آمیز؛ احترام به ادیان دیگر مسئله‌ای تک بُعدی نیست. هم از منظر نیازهای طبیعی و اجتماعی انسان برای دستیابی به منافع و هم از دیدگاه دین و ایمان برای دستیابی به جامعه ایده‌آل این مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد. گسترش صلح در جامعه در هر دو بُعد طبیعی و مذهبی لازم است. نگاه دینی به این مسئله در اسلام چنان اساسی و بنیادی است که یکی از بالاترین اولویت‌های اجتماعی انسان قلمداد می‌شود، زیرا این نظریه، ریشه در کرامت انسانی دارد.

نگاهی به آموزه‌های ادیان نشان می‌دهد که در آموزه‌های آنها بر همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید شده است؛ این مسئله در ادیان ابراهیمی بیشتر شیوع دارد. رهبران همه ادیان سعی می‌کنند چهره‌ای مسالمت‌آمیز از آیین خود به تصویر بکشند. ادیان شرقی مانند آیین هندو و بودیسم نیز به اصل همزیستی با دیگران تأکید می‌کنند.

- دلیل گفتگوی بین ادیان؛ بدون شک، یکی از اصلی‌ترین راه‌های از بین بردن یک مشکل در سطح بین‌المللی، واقع‌گرایی و کاهش اختلافات با نزدیک کردن پیروان ادیان به معیارهای اخلاقی است؛ به عبارت دیگر هدف گفتگوی بین ادیان دستیابی به تفکر برتر برای داشتن زندگی بهتر است.

- زبان احترام و ادب؛ گفتگوی ادیان نباید با تحقیر، توهین، انکار یا خصومت با طرف مقابل باشد؛ درحقیقت، احترام به دیگران نشانه شخصیت فرد از نظر اخلاق شخصی است؛ از سوی دیگر اعتقادات افراد با زور و شمشیر تغییر نمی‌کند، بلکه با اندیشه و عشق به دست می‌آید.

- احترام به ارزش‌های دیگران؛ آنچه برای دیگران اعم از مذهبی، فرهنگی و... ارزشمند، مقدس و قابل احترام است نباید مورد توهین بی‌احترامی قرار گیرد؛ رعایت این نکته باعث از بین رفتن دشمنی‌ها شده و نزدیکی قلوب را به همراه دارد.

قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸). در این آیه خداوند امر می‌کند که به خدای کسانی که غیر خدا را پرستش می‌کنند (بت‌پرستان، مشرکان و...) توهین نکنید؛ زیرا آنها نیز ممکن است به دلیل ناآگاهی و جهل، به خدا توهین کنند. در این آیه به‌وضوح به مسلمانان دستور داده شده که به مقدسات دیگران احترام بگذارند.

گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله رضا رضانی گیلانی

الف) بی‌احترامی به ادیان خلاف عقل و قانون

دبیر کل مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام، ضمن تشکر از برگزارکنندگان نشست در سخنانی با موضوع اهانت به مقدسات و مخالفت اهانت با عقلانیت و اعلامیه جهانی حقوق بشر، با اشاره به اتفاقات یک دهه اخیر و اهانت به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قرآن، افزودند: «بی‌احترامی به ادیان خلاف عقل و قانون است».

از منظر ایشان عقل اجتماعی حکم می‌کند که انسان‌ها به‌عنوان یک انسان محترم باشند، چنان‌که در روایات و قرآن هم به این مسئله اشاره شده است، حال با توجه به اینکه پیامبران که از پاک‌ترین انسان‌ها هستند و انتخاب شده خداوند و شایسته دریافت وحی هستند، طبیعتاً جایز نیست به ایشان اهانتی صورت گیرد.

کثرت‌گرایی دینی دارای معانی متعددی است که یکی از معانی آن همان است که «جان هیک» مطرح می‌کند تحت عنوان همه ادیان مورد قبول و حق هستند؛ اما این معنا مورد قبول ما نیست. تکثرگرایی دینی به‌معنای دیگری مورد قبول است، اما در دهه‌های اخیر می‌بینیم که اسلام و قرآن مورد حمله قرار گرفته است. این بی‌احترامی هم ضد دین است هم غیراخلاقی و هم غیرعقلانی.

ب) بی‌احترامی به ادیان خلاف اخلاق

به لحاظ اخلاقی نیز اولین اصل این است که «آنچه برای خود می‌پسندی برای

دیگران هم بیسند» [۲] و همین اصل اقتضا دارد که انسان‌هایی که برای خود احترام قائل هستند به مقدسات میلیون‌ها انسان توهین نکنند. آن هم پیامبر مقدسی که فرمودند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ [۳] «همانا من فقط مبعوث شدم تا خصلت‌های پسندیده اخلاقی را کامل کنم» اما مورد اهانت قرار می‌گیرد.

ج) مخالفت اعلامیه جهانی حقوق بشر با بی‌احترامی

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، با اشاره به اعلامیه جهانی حقوق بشر گفتند: همه انسان‌ها مساوی هستند، اما آیا این‌گونه رعایت می‌شود؟ وی اهانت به مقدسات اسلامی را مغایر با این اعلامیه و اصول مختلف آن از جمله مواد ۱، ۱۸، ۱۹، ۲۶ و ۲۹ عنوان کرد. از دیگر اصول اعلامیه حقوق بشر این است که همه انسان‌ها در برابر جامعه مسئولیت دارند و براساس این مسئولیت، مصونیت دارند. یا اینکه در زمینه آزادی بیان دو قید را می‌آورد یکی بی‌احترامی نکردن به انسان‌ها و دیگری رعایت امنیت ملی.

د) بی‌احترامی به ادیان خلاف عقلانیت

آیت‌الله رضوانی گیلانی مبنای این بحث را عقلانیت دانستند که طبق یکی از معانی آن به معنای فهم مشترک در جامعه (common sense) است و در نتیجه آن، همه انسان‌ها مورد احترامند. همان‌طور که امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «فَأِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ». [۴] براساس این فرمایش اگر حتی مسلمان هم نباشی، از نظر انسانیت مورد احترام هستید. همان‌طور که قرآن می‌گوید که «و قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳). در اینجا از لفظ «ناس» یعنی همه انسان‌ها استفاده شده است، نه فقط مؤمن یا مسلمان؛ اما متأسفانه می‌بینیم که این بی‌احترامی‌ها صورت می‌پذیرد آن هم نسبت به کسانی که بهترین انسان‌های در روی زمین هستند. شاید به ذهن انسان این سؤال بیاید که پس آزادی بیان چه می‌شود؟ جواب این است که آیا آزادی به معنای اجازه اهانت داشتن است؟ هرگز.



گزیده‌ای از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهاشم موسوی

نماینده مقام معظم رهبری در انگلستان، ضمن سخنانی با موضوع «رابطه بین آزادی بیان و احترام به ادیان» به این سؤال پاسخ دادند که آیا می‌توان هم از آزادی بیان استفاده کرد و هم به ادیان دیگر احترام گذاشت؟! وی در مقدمه بیان کردند که هم احترام به ادیان و هم آزادی بیان ریشه در تعلیمات الهی به‌ویژه ادیان ابراهیمی دارد و در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره نمودند:

الف) احترام به ادیان از نظر اسلام

در آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه در قرآن کریم نسبت به احترام به باورهای دیگران توصیه‌های ارزشمندی وجود دارد که غفلت از آنها به هیچ وجه برای یک مسلمان واقعی سزاوار نیست.

خداوند در قرآن کریم در سوره ممتحنه آیه ۸ می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد».

قرآن کریم در جایی دیگر می‌فرماید: «وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸).

همچنین بنابر آموزه‌های اسلامی بسیاری از رسومات پیروان ادیان مختلف که از دین‌شان برخواسته است مانند ازدواج، مورد احترام است.

در روایتی نقل شده که امام صادق علیه السلام دوستی داشت که آن حضرت را همیشه همراهی می‌کرد. روزی در بازار کفاش‌ها همراه حضرت می‌رفت و به دنبال‌شان غلام او که از اهل هند بود می‌آمد. ناگاه آن مرد به پشت سر خود متوجه شده و غلام را خواست و او را ندید و تا سه مرتبه به عقب برگشت و او را ندید، بار چهارم که او را دید گفت: ای زنازاده کجا بودی؟

امام صادق علیه السلام دست خود را بلند کرده و به پیشانی خود زد و فرمود: سبحان الله

مادرش را به زنا متهم می‌کنی؟ من خیال می‌کردم تو خوددار و پارسایی و اکنون می‌بینم که ورع و پارسایی نداری. عرض کرد: قربانت گردم مادرش زنی است از اهل سند و مشرک است فرمود: مگر ندانسته‌ای که هر ملتی برای خود ازدواجی دارند. [۵]

در این روایت هم احترام به خود این مرد هندو و مشرک و هم به مسئله ازدواج آنها به روشنی منعکس شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این دو آیه از قرآن کریم و نیز روایت امام صادق علیه السلام که به‌عنوان نمونه ذکر شد، با صراحت از بدگویی در حق پیروان دیگر ادیان منع کرده و به نیکی و رفتار عادلانه با آنان توصیه کرده است.

ب) احترام به آزادی بیان در اسلام

حجت‌الاسلام سیدهاشم موسوی برای اثبات آزادی بیان و احترام به آن از نظر اسلام به ذکر آیاتی از قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام و سیره عملی آنها پرداختند:

«الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸)؛ «کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمنداند».

در واقع، آیه از فرصت گفتگو و تبادل افکار و امکان طرح نظریات موافق و مخالف خبر می‌دهد، زیرا در صورتی متابعت احسن میسر خواهد بود که چندین راه و کلام وجود داشته باشد و استماع همه آنها ممکن باشد و این ممکن نیست، مگر در صورتی که آزادی بیان افکار مخالف وجود داشته باشد، تا دیگران با شنیدن، امکان مقایسه بین آنها و تبعیت احسن را داشته باشند.

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛ «با حکمت و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن».

باید توجه داشت که در جامعه‌ای که امکان طرح دیدگاه‌های مخالف وجود ندارد، دعوت به روش حکمت و موعظه نیکو معنا ندارد، چراکه دعوت با حکمت در فضای آرام گفتگو و برخورد منطقی و استدلال عقلی ممکن خواهد بود؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که فضای کلی نزول آیه در ظرف جامعه آزاد و با امکان قدرت بیان دیدگاه‌های

مخالف و طرح عقاید گوناگون بوده است.

- امام باقر علیه السلام از حضرت عیسی علیه السلام نقل می‌کند: «کلام حق را گرچه گوینده آن اهل باطل باشد، بپذیرید، ولی کلام باطل را گرچه گوینده آن اهل حق باشد رد کنید، شما منتقدان سخن باشید، چه بسا ضلالت و گمراهی که به وسیله آیه‌ای از کتاب خدا تزیین شده باشد همان‌طور که ممکن است مس با نقره ناخالص مخلوط شده باشد، نگاه به آن دو یکسان است (در ظاهر قابل تشخیص نیست) ولی کسانی که با بصیرت و دقت در آن نگاه کنند به آن آگاهی می‌یابند» [۶]. نکات قابل استفاده از روایت:

۱. معیار برگزیدن سخن، حق است، گرچه از اهل باطل صادر شود. لذا نمی‌توان سخن کسی را به صرف اینکه از اهل اسلام نیست، تخطئه کرد.
۲. امکان و فرصت سخن گفتن افراد را نباید از آنها سلب کرد و به این دلیل که آنها اهل باطل هستند با آنها مخالفت کرد و برای اهل حق هم نباید ارزشی بیش از گفتار حقشان قائل شد.
۳. افراد جامعه باید انتخاب‌گر و ناقد باشند. از نظر اسلام ارزش از آن نقد و بررسی است و تکامل و رشد به وسیله نقد کلام است. لذا، اگر در جامعه‌ای آزادی بیان دیدگاه‌های مخالف وجود نداشته باشد و از آنها ممانعت شود، دیگر جامعه‌ای ناقد پرور به وجود نخواهد آمد و نقد و بررسی کلام امکان نخواهد داشت.

ج) رابطه آزادی بیان و احترام به ادیان

نماینده ولی فقیه در انگلستان در ادامه بیان داشتند که با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد روشن است موضوع احترام به ادیان در ارتباط بسیار نزدیکی با موضوع آزادی بیان است با این تفاوت که اولی از جنس تکلیف است و دومی از جنس حق، یعنی در مورد احترام به ادیان ما مکلف هستیم که رعایت حرمت آنها را بکنیم و در مواردی که از این الزام سرپیچی کنیم ممکن است مورد تنبیه واقع شویم اما در مورد آزادی بیان اینگونه نیست بلکه شما می‌توانید از حق تان استفاده کنید و می‌توانید آن را رها کنید.

برهمن اساس ما نسبت به کسانی که، به‌ویژه در برخی از کشورهای اروپایی با



استناد به آزادی بیان، بی‌پروا به مقدسات دیگران توهین می‌کنند می‌گوییم:
اولاً؛ همهٔ عقلای عالم بر این مسئله اتفاق نظر دارند، که انسان نمی‌تواند در اعمال و رفتار خود به صورت مطلق آزاد باشد و به قول یکی از نویسندگان غربی به نام فرانسیس نویمان: «هیچ نظام سیاسی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد که آزادی فرد را مطلقاً و بدون قید و شرط بپذیرد».

ثانیاً؛ آزادی بیان حق است نه تکلیف که چاره‌ای از انجام آن نباشد. بنابر این، هرگاه در اجرای آزادی بیان می‌بینید که اجرای این حق شما، آزادی دیگران را محدود می‌کند و یا حرمت آنان را زیر سؤال می‌برد، عقل سلیم حکم می‌کند که از این حق خود بگذرید. در غیر این صورت، باید عین همین حق را به طرف مقابل خود بدهید که آزادی شما رو محدود کند و یا مقدسات شما را زیر پا بگذارد که در این صورت قانون جنگل، به مراتب بهتر از قانون بشریت خواهد بود.

ثالثاً؛ آزادی بیان یک عنوان کلی است و مصادیق فراوان در زندگی بشر دارد و اگر قرار باشد به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی مورد استفاده قرار گیرد، نظام زندگی بشری به هم می‌ریزد و اگر هم قرار است منضبط و تحت قیود خاصی اجرا شود، این قیود باید دارای مبنای پذیرفته‌شده عقلای عالم باشد نه براساس سلیقه و یا فشار سیاسی گروه خاص.

برهمن اساس، آنچه که امروزه در این کشورها رخ می‌دهد و برخی از سران آنها هم از آن دفاع می‌کنند غیرمنطقی، غیرعقلانه و آزاردهنده است؛ زیرا بسیاری از پیروان ادیانی که به مقدساتشان توهین می‌شود، نمی‌توانند دست به عمل متقابل بزنند به دلیل اینکه طبق قانون احترام به ادیان الهی، ملزم به احترام به باورهای به اصطلاح دینی همان توهین‌کنندگان هستند و در مواردی هم که امکان مقابله به مثل دارند حق آزادی بیان ندارند و در صورت استفاده از این حق به بدترین شکل مورد تنبیه واقع خواهند شد و این یکی از عجایب دنیای مدرن و لیبرال امروز است.

گزیده‌ای از سخنان اسقف اعظم سبوه سرکیسیان

الف) ادیان الهی پیام آوران صلح

اسقف اعظم سبوه سرکیسیان، رئیس خلیفه‌گری ارمنه تهران در پیامی ویدئو کنفرانسی بیان داشتند که در دنیای به هم پیوسته که مسائل هر گوشه آن جهانی شده است، اتفاقات ناخواسته‌ای صورت می‌پذیرد. وی با اشاره به اتفاقاتی که بنیان صلح را در جهان به خطر انداخته است، ادیان الهی را پیام‌آوران صلح دانسته و تابعین ادیان را هم دنباله‌کنندگان این صلح معرفی کرد.

وی افزود: «هر گونه حمله عمدی یا غیرعمدی که همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان مختلف ادیان را به خطر می‌اندازد محکوم است؛ اما متأسفانه انسان‌ها با غرورشان و عدم فهم تعالیم انبیا همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌آمیز را به خطر می‌اندازند و به نام آزادی، باعث جنایات زیادی می‌شوند و تحت این عنوان دین و انسان‌های دینی و اماکن مذهبی مقدس مورد اهانت قرار می‌گیرد. ما تمام خشونت‌ها و صحبت‌های نفرت پراکن را محکوم می‌کنیم».

ایشان بیان داشتند که این افراد معنای عشق و برادری را از دست داده‌اند و از همزیستی مسالمت‌آمیز دور گشته‌اند و این باعث شده است که نفرت و سخنان نفرت‌آمیز بین برخی پدید آید.

ایشان در ادامه با ابراز خوشحالی از زندگی توأم با صلح در تهران، ایران را مأوایی برای ادیان و صلح دانستند و گفتند که ما معتقدیم که عملیات‌های تروریستی علیه مردم بی‌گناه ناشی از دوری از فهم دین است و با دکتترین دین ناسازگار است.

ب) وظیفه جهانی و سازمان‌های جهانی

وی با اشاره به خشونت‌های موجود علیه ادیان ابراز امیدواری کرد دنیا با رسانه‌هایی که در اختیار دارد با تمام این مدل خشونت‌ها مقابله کند. رئیس خلیفه‌گری ارمنه تهران در پایان سخنانشان پیشنهاد دادند که کمیته‌ای جهانی تشکیل شود تا بدین وسیله به تمامی سخنان خشونت‌آمیز، نفرت‌پراکن و بی‌احترامی‌ها پایان داده شود.

پی نوشت

- [۱]. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۸.
- [۲]. امام علی علیه السلام: «لا یسلمُ لک قلبک حتی تحب للمؤمنین ما تحب لنفسک؛ دلت برای تو سالم نخواهد شد، مگر آنگاه که برای مؤمنان همان پسندی که برای خود می پسندی»؛ محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۵۱۰.
- [۳]. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: شریف ررضی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸.
- [۴]. نامه ۵۳ نهج البلاغه.
- [۵]. «کان لأبي عبد الله عليه السلام صديقٌ لا يكاد يفارقه إذا ذهب مكاناً فبينما هو يمشي معه في الحدائق و معه غلامٌ له سندی يمشي خلفهما إذا انفكت الرجل يريد غلامه ثلاث مرات فلم يره فلما نظر في الرابعة قال يا ابن الفاعلة أين كنت قال فرجع ابو عبد الله عليه السلام يده فصك بها جبهة نفسه ثم قال سبحان الله تقذف أمه قد كنت أرى أن لك ورعاً فإذا ليس لك ورعٌ فقال جعلت فداك إن أمه سندية مشرقة فقال أما علمت أن لكل أمة نكاحاً تنح عني قال فما رأيته يمشي معه حتى فرق الموت بينهما»؛ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: المكتبة الإسلامية، ج ۲، ص ۳۲۴.
- [۶]. قال المسيح عليه السلام: خذوا الحق من أهل الباطل و لا تأخذوا الباطل من أهل الحق كونوا نقاد الكلام فكم من ضلالة زخرقت بأية من كتاب الله كما زخرف الدرهم من نحاس بالفضة المموهة النظر إلى ذلك سواء و البصراء به خبراء؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۹۶، ح ۳۹.

